

ابنیه و آثار دودمان کرت

وضع عمرانی هرات از حمله تولی تا هجوم تیمور

آل کرت نه تنها در صحنه سیاست، ادب دوستی و فضل پروری نامی بر آورده بودند بلکه در آبادی و زراعت کشور خود نیز سخت علاقه داشتند. در طول فرمانروائی خویش به آبادی هرات که مرکز و پایتخت ایشان بود بسی بذل توجه کردند اگر از یکسوی حملات مکرر تاتاریان، آندیار را بصورت ویرانه ای درمی آورد از سوی دیگر زمامداران کرت در آبادی آن می کوشیدند. برای آنکه خوبتر به توجه کامل و شوق مفرط این دودمان به آبادی و معموری آن سامان آشنا شویم. سزاوار است که شرحی مختصر در پیو امون وضع عمرانی هرات از سال (۶۱۸هـ) تا (۷۸۳هـ)، و عمرانی که دودمان کرت در آندیار آنشاد کرده اند، نبشته آید.

آبادی هرات و کثرت عمرانات آن مانند حمام، کاروانسرای و غیره در زمان ملوک غررا ز تذکرو تعریفات هابی نیاز است. ولی در سال (۶۱۸) در اثر حمله تاتار به فرمانداری تولی پسر چنگیز نشانی از آن همه عمرانات باقی نماند. چه او تنها به خرابی شهر بسنده نکرد بلکه قریب ششصد هزار انسان بلا دفاع را بکشت و صد و هزار دوشیزه را به اسیری بگرفت (۱). بار دوم ایلجیکدای به فرمان چنگیز بالشکر فراوان آنجا را به محاصره بگرفت. شش ماه و هفتاد روز ایام محاصره طول کشید و مردم از خود گذر هرات در مقابل حمله مغول سخت ثبات ورزیدند. تا ماه هشتم در (۶۱۹) تاتاریان به فتح شهر موفق آمدند و تاتارانشند کشتند و همه بناها، سراهای شهر و برجاها را خراب کردند. (۲) ولی جانشین چنگیز او کنای قاآن بالاخره به معموری هرات توجه نموده، امیر عزالدین متمد هر وی را با چند تن دیگر در سال ۶۳۵ بداند جعفر ستاد تابه تعمیر و آبادی هرات سعی و کوشش کند.

سپس وضع هرات قدری به آبادی گرائیده تا آنکه ملک شمس الدین محمد کرت نخستین زمامدار این دودمان بر سریر سلطنت آن سامان جلوس کرد و به آبادی آنجا

۱ تاریخنامه هرات ص ۷۰ چاپ کلکته

۲ تاریخنامه هرات ص ۸۰، ۹۷

بذل توجه نمود و مردم هرات را هم به عمارت مأمور گردانید . چنانکه سیفی گوید
 (۱) ، «... بعد از آن بفرمود تا استنادان رازه در باغی که بر سر میدان (بود)
 معروف بباغ حوض کوشک عالی بنا افکندند و ایامه و سادات و اشراف و اهالی هرات
 را طلب داشت و گفت ما را و شمارا مصلحت آنست که اندورن شهر را آبادان گردانیم
 چه اگر فتنه و تشویشی ظاهر گردد خاکی را پناهی و جایگاهی بود که اعادی و کفار را از
 سرایشان دست و تعدی و جور کوتاه باشد» و همچنان در زمان سلطنت او به
 امر القباخان در خارج شهر هرات کارخانه های بساختند ملک شمس الدین بسیار
 عجاهدت ورزید که آن کارخانه در درون شهر آباد شود تا سایر شهر هم به تبعیت آن
 آباد گردد ولی این پیشنهاد او را امرای مغول نپذیرفتند چنانکه سیفی گوید (۲)
 چون شهور سینه ثلاث و ستین و ستمیته در آمد درین سال بد لو و ترسفا از پیش
 البقان خان به هرات آمدند و گفتند که حکم باد شاه البقا خان بران جمله بنفاذ پیوسته
 است که باسم من در شهر هرات کارخانه عالی بسازند و در پیش او بازاری عمارت
 کنند ملک اسلام شمس الحق والدین گفت که مصلحت در آنست که این کارخانه
 را اندرون شهر بیا کنند تا شهر به تبعیت آن آبادان شود هر کتای و بد او گفتند که ما را
 مأمور گردانید ه اند بانکه این کارخانه در بیرون شهر بنا کنند نه در اندورن شهر دیگر
 آنکه حکم باد شاه چنگیز خان و اکتای خان و هلاکو و خان القباخان آنست که هیچ
 ملک و شحنه اندورن شهر عمارت نکنند چه از جای رفتن و خلافت ملک اسلام
 شمس الحق والدین هر چند اجتهاد نمود و سعی بجای آورد تا باشد که کارخانه در شهر
 سازند ایشان نشنودند. ^{القیصه از اظرف اشراف خوارامان استنادان و بنا آن ماهر حاضر گردانیدند}
 و بانکه روزکاری بر طرف جنوبی که نام خا نه عالی که امروز آثار آن لایح است
 بساختند و در مقابل آن بازاری معمور کردانید تا در ب فیروز آباد «
 ازین نبشته سیفی چنین بر میاید که ایخانان آبادی شهر هرات خلاف سیاست
 و منافی با قدرت خود میدانستند و زمامداران کرت علی الرغم ایشان وقتیکه فرصتی بدست
 میاوردند به آبادی آن دیار همت می گماردند .

پس از درگذشت ملک شمس الدین چنانکه شرح آن در سابق گذشت بار دیگر
 وضع هرات و مردم آن در اثر تجاوز زبردستان دگرگون شد. تا آنکه ملک شمس الدین

۱- تاریخ نامه هرات ص ۱۸۴ ج کلکته

۲- تاریخ نامه هرات ص ۲۸۵ کلکته

کهمین بجای پدر نشست و مردم هرات را به عمارت و زراعت مامور گردانید. و همچنان
 فرزند او ملک فخرالدین به عمارت شهرات بذل توجه نموده و از اسلاف خود گوی
 سبقت را ربود چنانکه سیفی گوید: «چون مشهور سنه تسع و تسعین و ستمانه در آمد
 درین سال ملک مرحوم فخرالدولت والدین طاب شراه بفرموده تا برج و بارو خاکریز
 و بند خندق بشهر هرات را عمارت کردند و دیوار بادورا بیند و دند و برجها را مقدار
 چهارده کز بر افراشتند و از میان دیوار بارو و دیور فصیل شش کز خاکت برداشت و بدان
 خاکت خاکریز را تند گردانید و هر درب بندی بزرگت بیست و تمامت رعایا هرات و اسفزار
 و غورو و غرجستان و آزاب و هرات دود و فوشنج و حزه و کوسویه و باحزرا با عمارت
 برج و بارو و صندوق مامور گردانید و در عهد دولت خود شهر را اجنان استوار گرداند
 که هیچ پادشاهی و شهریاری را بالشکرهای گران بمحاصره او چشم در ندیدند چه از هیچ
 طرف غیر دزو از هار امکان در آمدن و مجال بیرون شدن نبود بعد از آن که بند و خندق
 معمور کشت و برج و بارو و فصیل و خاکت ریز عمارت تمام گرفت و حصانت هر تمامتر
 یافت در بای حصار میدانی ساخت پس بزرگت و باسم عیدگاه دیواری کرد او در کشید و
 در بای حصار فیروزی خانقاه عالی نقش بر آورد و فرمود که مسافران و عزیزان و اینای
 سبیل که بر سند درین خانقاه نزول کنند... و در پای حصار در اندرون شهر دو خندق عظیم
 بکن فیل بندی بس بزرگت ساخت مسجد عبد الله عامر را بحال معموری باز آورد در مقابل
 درب برامان مسجدی که معروف است بمسجد تره فروش آبادان کرد و باراری در پای
 حصار ساخت... »

دیگر از زمامداران دولتماندان گور که هرات عمارت را از خود بیادگار گذاشت ملک
 غیاث الدین است. چنانکه وی در سه ای بنا و مدرسه غیاثیه بر در شمال مسجد جامع هرات
 بساخت و او قافی جهت عمارت و وظائف امام و خطیب و حافظان و موزنان و قاریان آن
 معین کرد (۲) در هم چنان سیفی درباره عمارات او شرحی نبشته است که مادر اینجا
 مطالب بر جسته آنرا التقاط میکنیم: « از جمله عماراتی که ملک ماوک اسلام
 غیاث الحق والدین در خط محروسه هرات صمیت عن الافات والعات فرموده
 اول عمارت مسجد جامع است و هیچ پادشاه مالکی را بعد از سلطان سعید مغفور
 غیاث الحق والدین نور الله رسه تا این عصر آن دست نداد که مسجد جامع هرات
 که اکثر آن بازدارس انجامیده بود و صفحاه شرقی و جنوبی آن خراب شد و

۲ - مطلع السعدین قلمی ص ۲۹۰ تعلقه کتابخانه ریاست مسئول مطبوعات

واز جنبذات و بیل بایهء اطراف اربعه اوائار نمانده هرمتی کردی... مسجد جامع
 شهر هرات بحال عمارت باز آور دو خود بتفسه باتماست مضراب و ارکان دولت و اعیان
 ولایت هرات پنجاروز در مسجد جامع متوطن شد و دران سعی جمیل و جز نامی
 باعتقاد صامی اجتهاد تمام وجد بلیغ مینول داشت و بفرورد تا هر موضع را که
 خراب شده بود بهتر و محکم تراز و وضع اول بحال آبادانی باز آرد و بلطایف کتابت
 و دقایق صنعت آراسته گردانید و اشکال غریب و نقوش بدیع ساخته و پرداخته کرد...
 و در حصار بر طرف شمالی بارگاهی که منسرب است بدار بساخت و بفرمود تا آنرا
 به نقوش و صور مزین گردانیدند بشکلی که دیده هیچ سیاح مثل آن در اقطار و اکناف
 ربیع مسکون ندید و کوش هیچ مسافر در شرق و غرب جهان مانند آن نشنود....
 دیگر در جواد خندق بای حصار حمامی ساخت که بوضع و هیأت آن در عراق
 و عراقین و شام و شامات دیده هیچ آفریده ندید و مال بیحد در پرداختن آن مصروف
 داشت.... و در شرقی حصار کوشک عالی بنا افکند و از بای حصار تا سر چهار سوی
 بازاری بادو کار و انسرای بساخت و در بیرون شهر در جوار باغ سفید خسا نقاهی
 بس عظیم بر آورد و آسیاب و آسیاب و آنچه که ما بحتاج خانقا داری باشد از خالص
 مال بی و بال خود بر و وقف کرد و در طرف شمالی مسجد تره فروش خانقا هی
 و بر در او کار و انسرای بنا افکند... در هر بناده و بقعه و حصن که در تحت تصرف
 او بود عمارتی فرمود «(۱)»

ملك معزالدین حسین که از مقتدر ترین شاهان کرت است نیز بنوبت خود
 عماراتی در خطه هرات بنا افکند چنانکه هوف جیب السیر گوید (۲) : «خانقاه
 جدیدی که متصل بمسجد جامع دارالسلطنه هرات واقع است و مدرسه بسرفیر و آباد
 و خانقاه سلطان و خانقاه سبزخیا بان از جمله ابنیه ملک معزالدین حسین است و آن
 پادشاه خیر در ولایت جام و قصبه کاریز که داخل ولایت باخرز است و دیگر ولایات
 خراسان بقاع خیر بنا نمود و مسجد جامع هرات را نیز مرمت و عمار فرمود «
 هرات آرامگاه صدها عارف و مجنوب است و عمر مانی بزرگی در آنجا مدفونند
 که قبور ایشان همواره زیارتگاه مردم آنسان بوده و هست چون شاهان کرت

۱- تاریخ نامه هرات ص ۷۴۶-۸۵۰ ج کلکتہ

۲- جیب السور جزو دوم از جلد سوم ص ۷۵ ج هند

به اولیا و رهروان طریقت سخت عقیده داشتند از نیر و علاوه بر تعمیر مساجد و خانقاهها و ترمیم مسجد جامع هرات و ساختن مدارس و اماکن خیریه به تعمیر آنرا مسگانه بعضی از اولیای بزرگ نیز بذل توجه نموده گنبدها بر سر مسقا بر ایشان استوار گردانیدند. یکی از عرفانی که قبرس مورد توجه در زمان آل کورت واقع شد عبدالله است که نسبش به حضرت جعفر طیار «رضی الله عنه» میرسد و در سال ۱۳۴ هجری در هرات بشهادت رسیده و سلطان محمد کورت در ۷۰۶ هجری بر سر قبر او گنبد بسیار عالی تعمیر کرده است. (۱)

و همچنان خواه ابو الولید هر وی که یکی از عرفای بزرگ بوده و با امام احمد احنبل (رض) صحبت داشته و اسماعیل بخاری محدث معروف در نزد او حدیث خوانده است قبرش مورد توجه سلطان محمد کورت واقع شده و او عمارت و گنبد عالی روی تربتش بنا افکند که تا کنون بحال خود باقی است (۲) و همچنین گنبدی که تا کنون بر سر قبر امام عبدالله و احد پسر مسلم بن عقیل «رضی الله عنهما» استوار است از ابنیه ملوک کورت میباشد. (۳)

یکی دیگر از آثار تاریکه، به خاندان کورت آنکه نسبت دارد. دیگر فازی است که مردی بنام قلندر آرز از مال شخصی خود پرداخته و ساخته و در مسجد جامع وقف کرده است. مؤلف مزارات در باره آن دیگری چنین مینویسد (۴): «و از جمله عجایبات که در بین مساجد شریف است دیگری است که بنهایت بزرگ جنس آن از هفت جوش است بجهت شربت دادن در ایام متبر که ساخته شده است و بسیار منقش و در زمان ملوک کورت (کورت) قلندر شامی از غنای اموال خود آنرا وقف نموده است و درین بیت در مدح پادشاه وقت در آنجا مضمون است:

رباعی

هزار سال جلالی بقای ملکش باد شهو را و همه ارضی بهشت و فروردین
بسال هفتصد و هفتاد و شش (بد) از هجرت که نقشبند حو ادث نمود صورت این

۱- رساله مزارات هرات ص ۱۳ ج هرات

۲- رساله مزارات هرات ص ۱۹ ج هرات

۳- رساله مزارات هرات ص ۱۸ ج هرات

۴- رساله مزارات هرات ص ۵۸ ج هرات

دیگ مذکور روی پایه ها استوار بوده قطرش یکمتر و عمق آن دو متر است و در ایوان غربی مسجد قرار دارد (۱) دز کرانه بیر و نی و بیر و نی دیگ نام محمد بن محمد بن محمد کورت نقر شده است (۲) در اسم پادشاهی که در این دیگ نقر شده و تاریخ اتمام آن جای تامل است چه در سلسله ملوک ، ملک فخر الدین و اسمش محمد و همچنان اسم پدرش شمس الدین کهن و جدش شمس الدین بزرگ نیز محمد میباشد و از (۷۰۵-۶۰۶) سلطنت کرده است نصب و اسم ملک غوث الدین برادر ملک فخر الدین نیز چنین است (۳) وی از (۷۰۸-۲۹۷) زمام دار هرات و توابع آن بود . اما تاریخ اتمام دیگ (۷۷۶) با دوره زمامداری هر دو سلطان سابق الذکر تناقض دارد و تنها با دوره سلطنت ملک غیاث الدین پیر علی (۷۷۱-۷۸۳) تطبیق میشود در حالیکه اسم او بانامیکه دیگ نقر شده قطعاً موافقت نمیکند. پس در اینجا چاره نداریم جز آنکه بگوئیم دیگ مذکور در زمان ملک فخر الدین یا ملک غیاث الدین ساخته شده و در تاریخ اتمام آن برای گوینده ربا عی اشتباه دست داده است .

در تعمیر مصلی هرات ملوک کورت نیز دست داشته اند چنانکه استاد فاضل خلیلی مینوسد (۱): « مصلی هرات و مدرسه میزاد در طرف شمال شرقی شهر بقا صله هزار قدم واقع بوده و قراریکه مینویسند بنای مصلی اول را ملوک کورت نموده و بنای مصلی دوم را امیر تیمور کورگان آنها ده و بنای سوم آنرا سلطان حسین با یقرا انجام داده است (۴) »

قلعه ها

پادشاهان کورت به تعمیر قلعه ها توجه شایان داشتند چه حصاری های مستحکم در مقابل دشمنان سنگر دست نیافتنی و دارمواقع اضطرار بهترین پناگاه ایشان بود . از قلعه های معروفیکه بنام این محل نام آن شهرت یافته و منسوب است یکی قلعه خیسار بود که نگارنده شرحی در باره آن در مقدمه این رساله نوشته و دیگر قلعه امان کوه و سه دیگر قلعه اختیارالدین است .

۱- آثار هرات ج اول ص ۵۱ هرات

۲- کلیس و ن سال دوم مجله آریانا مقاله آقای گویا اعتمادی ص ۷۱ شماره هشتم

۳- بناغای گویا اعتمادی در مقاله خود زیر عنوان آثار و عمران و صنایع در دوره ملوک

کورت دوم مجله آریانا - دوم شماره هشتم صفحه ۱۷ مینویسد: محمد بن محمد بن محمد کورتی در سلسله شاهان کورت نام ندارد در حالیکه در کتب تاریخ ما نند تاریخ نام هرات دو تن از این خاندان

رادو که ما متن یادیم بدین نام نسب معرفی کرده اند .

۴- آثار هرات ج اول ص ۵۵ ، ج ۲ هرات

اما قلعه امان کوه که بنام اشکلجه، اسکلجه و اشکلجو نیز شهرت دارد از تعمیرات دودمان کرت است چنانکه با رنولد میگوید (۱): «و نیز دودمان سلاطین کرت قلعه دست نیا فتنی امان کوه و یا اشکلجه در چها رفرسخی جنوب غربی شهر بنا شد» این قلعه در دوره سلطنت ملک فخرالدین بیش از پیش شهرت یافت چه او در حمله دانشمندان به دربار آن قلعه پناهنده شد و هم در آنجا درگذشت. قلعه اختیارالدین که بنام قلعه ارگک هم معروف است از آباد کرده های ملک فخرالدین میباشد و با رنولد درباره آن گوید: «در قرن سیزدهم و چهاردهم فخرالدین کرت (۱۲۸۵ - ۱۳۰۷) ارگک کنونی هرات را که در سمت شمالی شهر واقع و در آن زمان به اختیارالدین معروف بود بنا نهاد» و سیسی در فصل عمارات ملک فخرالدین با آنکه از تمام تعمیرات او در هرات نام میبرد از این قلعه ذکر در میان نمی آرد. چون تعمیر قلعه در آن عصر بسیار اهمیت داشت پس اگر قلعه اختیارالدین را ملک فخرالدین بنامی نهاد سیسی باید از آن ذکر می کرد. در اینجا دو احتمال موجود است: احتمال اول آنست که اختیارالدین پیشه یا اختیارالدین هارون که هردو از جمله یاران ملک فخرالدین بود قلعه مذکور را بنا افکند و باشد و هم چنان بنام صاحب خود شهرت یافته باشد یا به احتمال دوم سیسی از ذکر آن در جزء عمارات ملک فخرالدین غفلت ورزیده است.

بنا غلی صدقی درباره موقعیت جغرافیائی این قلعه مطالب پرارجی نوشته اند که نگارنده پاره ای از آنرا در اینجا می آورد: «بعد از مسجد جامع مشهورترین جای در شهر همانا قلعه ارگک است. ارگک هرات در موضع بلند قدری عقب تر خاکتوده بزرگ شمالی واقع و بر تمام شهر سرگوب است. دیوارهای آن همه از خشت و از بنا هلالی ختلی قدیم معلوم میشود ۰۰۰ شا هر خ قلعه اختیارالدین که آباد کرد ملک فخرالدین کرت بود و بنا بر حکم تیمور ویران شده بود و باره آباد نمود در وقتیکه با برشا به هرات رفت قلعه مذکور به بالا قورغال شهرت گرفته بود» (۲) از نبشته بنا غلی صدقی برمیاید که این قلعه پس از سپری شدن دوره دودمان کرت نیز مشهور بوده و توجه شاهان چون تیمور، شاه رخ و با بر را بخود جلب کرده است. ناگفته نباید گذشت که این قلعه از حیث متانت و استحکام محل خزانه عمومی و سایر تجهیزات دولتی درازمنه سابق بود.

۱- تذکره جغرافیا و تاریخی ایران ص ۱۰۷، ج تهران

۲- مراجعه شود به اننامه سال ۱۳۱۸ کابل ص ۲۲۴

باین دلیل که ممکن است راحت طلبی و آسایش خواهی انسان را خیالی زود از کار باز دارد. نتیجه نهایی این رویه، تواریخ شگفت انگیز و عجیب یهودیان و آسوریان است بقلم کسانی که هر آن بنادانی خود را جمع بزبانهای مربوط معترفند و بدانیان معلوم است که مؤرخان زیادی هست که با زبانهای یونانی، لاتین و جرمنی اصلاً آشنایی ندارند. پیداست که بزرگترین بدبختی بی که از یمن جهت پیدا میشود عبارت از غلط فهمی هایی نیست که وقتاً فوقتاً رخ میدهد بلکه تأسف درینست که آن، موجب تنزیل سطح فکر و علم مادر موضوع مذکور میگردد. بیاد باید داشت که زبان پیوسته بزرگترین، دوامدارترین و نازنین یادگار مرمرین مردمی است که آثار آما خود میدانند. برای مثال شهر روم را موضوع بحث قرار میدهیم:

کسیکه راجع باین شهر سخن میزند، اگر چه راجع بمنابع خود تحقیقات علمی بعمل آورده باشد و اماروش و جهش فکری ایندوس، هراس، پترونیوس و، پاپینین را دریافته و درک نکرده باشد سخنانش درباره زندگی روم کلمات نابینایی را ماند که رنگها را نمیتواند تشخیص داد.

در مطالعه حقوق نیز همین کیفیت وجود دارد. البته مقصدم ازان، در بدو امر عبارت از نفس فلسفه یا علم قانون نیست بلکه دانش قانون عامه و قانون اساسی دولت مخصوصی است که اینهم، البته بنوبت خود از علم و دانش قانون کشوری آن بکلی جدایی ناپذیر است. تاریخ، بدون هیچگونه سؤالی عبارت از همین قانون اساسی، بشمول تبدلاتی که در آن صورت میگیرد، میباشد و این تبدلات را باید هر مورخ در نظر داشته باشد. لیکن دو روش بالضرور مختلف مطالعه نمودن این موضوع وجود دارد: قانون اساسی را هم میتوان، بطور کلی، بحیث یک نظم کم دوامدار یا بسیار دوامدار مطالعه نمود و یا، چون قانون اساسی، ذاتاً واقعات حقیقی را مورد تأثیر خود قرار میدهد، آنرا میتوان بحیث فقره مخصوصی تحت دقت گرفت. اگر چه غالباً روش دوم اجراء میشود ولی بخوبی پیداست که روش اول مقرون برستی و درستی است. آیا چند نفر از کسانی که در بار افسران و سپه سالاران یونان قدیم و آیا چند نفر از کسانی که راجع بسکنسلها و سرداران

بزرگ روم قدیم سخنرانی مینمایند این مقامات را در آستانه قانون اساسی
و مشروطیت شان، بهیچکلی، مورد امتحان و رسیدگی، قرار داده اند؟ چند نفر
از کسانی که با اسقفها و اعضای هیاتهای انتخاب کنندگان، خیلی سروکار دارند قوانین
کلیسای روم قدیم و قانون امپراتوری جرمنی را برای این مؤسسات و اوضاعاً پیش نظر
میداشته باشند؟

با این حال نگارش تاریخی که عبرت آموز باشند و از نتایج عملی بحث نماید
صرف توسط کسانی میتواند انجام گیرد که ازین عناصر خیلی بارز و مهم مفکوره
واضح و روشن داشته باشند. عین همان کم مایگی بی که در زبانشناسی صفت اختصاصی
تاریخ دروغین بشمار میرود در حوزه قانون اساسی عرض اندام میکند. زیرا در اینجا
غالباً میکوشند در موضوعی حرافی نمایند که دران باره معلومات ندارند و یا قبیحتر
از آن اینست که در هر ضمیمه اطلاع شکسته بسته بی بهمرسانیده اند و باین طریق با دانشی
عامیانه احادیث مهم و میراثی را تکرار کرده میروند.

آقایان، اجازه بفرمایید اقرار کنم که هنگامیکه کلمات (شاگردان تباریسخ) را
در مقابلتان دیدم، مشوش شدم. البته معنی این کلمات آست که جوانان همواره
در تلاشند تا هم علم لازمی و مقدماتی زبان را کسب نمایند و هم با مؤسسات سیاسی بی که
در ضمن بعضی مطالعات تاریخ بطور مخصوصی موضوع بحث قرار میگیرد،
آشنایی بهم رسانند. و البته ممکن است آن کلمات دلالت باین عقیده هم کند که
انسان میتواند، بدون التفات پان دو موضوع، از تاریخ چیزی بداند و حتی انسان
میتواند از چنگک مصایب کلمات ملجاء و پناه گاهی در تاریخ پیدا کند و نیز انسان
میتواند با تحقیق منظم منابع و با فکر علمی و روشی که منتهی به نتایج عملی گردد
تاریخدان شود. البته نکته اخیر بعضی را برافروخته میسازد شکی نیست که مطالعه
انتقادی منابع عبارت از تجزیه و تشریح فنی منابع است و این طرز عمل - که کثر
مستلزم خون سردی و حوصله است ولی نه آن مقدار حوصله و شکیبایی که دانشمندان
بکمک آن هدفهای خیلی دور را درک مینمایند بلکه صبر و طاقتی که برای کارگری
در هنگام کار لازم است. مطالعه حقایق تاریخی، درین حال، عبارت از علم
درون کتاب و یک سلسله قواعد نظری خواهد بود یا نوعی کلاه برداری و فریب
کاری. پیدا است که همچنانکه تلافی نمودن بدنبال مافات عرض اندام مینماید

مجازات هم زما نی بجاری میشود که تربیت عالی صورت نگر فته باشد
و این بان دلیل که تربیت نامطلوب منشاء هوسبازیهها و هومات است و
این هومات و هوسبازیهها موجب ناپدید گردیدن حس و شعور تاریخی میشود.
رفقای جوان تاریخدان من، برای شما راه و روشی را اصلاح و قابل توصیه میدانم
که فلسفه قانون طرح مینماید. وظیفه پیشوران قانون با وظیفه مورخان اصلا مشابه
است لیکن نکته درینجا است که کسی این مجال را نیافته که روشن سازد که میتوان
هنر ارجمند قانوندانی عارفه بی را بدو آزره مطالعاتی که در پوهنتون صورت
میگیرد، بچنگ آورد. زیرا پوهنتون شاگرد را باندازه بی منور میسازد که موقف
فرد را از لحاظ قانون و حقوقش درک کند. لیکن باید دانست که شاگرد این تنور را از
طریق مستقیم یعنی گوش دادن بکلاس کسب نمینماید بنا بران بر اوست که از وهله
اول ورود در پوهنتون در صدد آن باشد که آزره غیر مستقیم، خود را برای وظیفه بی
که در آینده خواهد داشت مجهز و آماده گرداند. کسانی که پس از فراغ در زبانهای
یونانی، لاتین و جرمنی وارد باشند و با مؤسسات سیاسی گویندگان آن زبانها آشنایی
کامل داشته باشند واقعاً آماده مؤرخ شدن اند لاغیر. بعد از آنکه آمادگی لازم
را کسب کردید روش انتقادی و نمایش عبرت آموزی تاریخ خود بخود حاصلتان
میگردد، عیناً بصورتی که ابرهای مشبوع باران میدهند. اگر در میدان کار آماده
و مجهز نباشید خود را بیهوده سرگردان خواهید ساخت و کاری از شما ساخته نخواهد
بود. با کمالات دروغین صرفاً اینقدر نخواهید توانست و پس کسه عده بی دیگر
براش اصرار بفرمایید که تاریخ را بحیث و سیله رزق فرا میگیرند نه بحیث هنر، ولی
سپس در مییابند که تاریخ پیشه نی بلکه هنر است.

من میتوانستم عیب جو بی و بد گوینی را ادامه داد، لیکن تشریح نمودن ابرهای مظلومی
که آینه فر هنگ جرمنی را تیره و تاریک میسازد در چنین مجاسی و در چنین فرصتی
که دست داده، مناسب نیست. مطلب اینست که دستگاه تربیتی یعنی معارف جرمنی
نخواهد و نشاید آن بهجت و شادمانی عامی را که از بابت جنگ گام برداشتنی حاصل
کرده ایم، اخلال نمود، بلکه هم نباید آن روح بزرگ و شکستناپذیری را
که برای خود آهنگری کرده ایم و میخواستیم در پر تو نخوت آن به پیشواز آینه برون
شویم، افسرده و پژمان سازد. جوانان جرمنی سنن خود را ترك نخواهند گفت.

ایشان ، عندالایجاب کاری را انجام خواهد داد که اکنون در دست ما است و میتوان ادعا کرد که همین حالا خود را برای آن مسؤولیت بزرگ مجهز و آماده میسازند . شما ای جوانان! برای رسیدن به آرزوهایتان محتاج چیزی نیستید و در راه تحصیلات خود بتمام معنی آزا باشید . رسمیتی وجود ندارد که بموجب آن باید روش خاصی را برای گذراندن سالهای تحصیلی خود اختیار نمایید . امتحان ضمنی بی وجود ندارد که بواسطه آن معلوم کنند که شما از سالهای تحصیلیتان کدام نوع انطباق گرفته اید . و هیچ ملتی در دنیا نیست که مانند ملت ما بر جوانان خود اعتماد و ایمان داشته باشد و جوانانی هم که روی سخن بایشانست حتمایت این اعتماد و ایمان را ثابت نموده اند . امیدوارم بر راه رفته روان باشید و اگر احياناً این راه شما را بپیراهه کشاند و یا احساس کردید که آن راه ترکستان است بخاطر داشته باشید که ، غالباً باین فکر استیم و میدانیم که راههای متعددی برای رسیدن به هدف واحد موجود است . هر شخص صاحب عزم قوی برای وصول به سر منزل جهاد بپیماید و پیداست که شما هر یک چنین راهی در پیش رودارید . آقایان ، با آگاهی تمام از مشکلات بمطالعات لازمی خود بپردازید و برای اینک که بردشواریهای فایق شوید اراده قوی داشته باشید زیرا ، خطر همواره شرف و آبرو را بمبارزه میخواهد . برای داخل شدن پشاهراه زندگی راههای هموارتری نسبت به راهی که در اطاق کنفرانس سراغ میشود ، وجود دارد و ازینست که اشخاص فهمیده کلاسهای پوهنتون را بهترین راه میدانند . شهادتنامه ، برای فارغ التحصیل صنف دوازده جرمی هنوز منزلت سند نجاتی را دارد که بکمک آن در زمره مبارزین رضا کاری داخل میشوند که بطرفداری راستی ، حق و آزادی روح انسان پیکار مینمایند و جای بسی شادمانی است که معتقدان این فکر پیمان بسته اند که در آن مبارزه ثابت قدم باشند و خود را بدشمنان خبیث پیشرفتهای فکری مانند راحت طلبی ، فضولی و محصل نمایی ، تسلیم نکنند . شما آن سند نجات را یا بدست آورده اید و یا در راه بدست آوردن آن هستید و شما آن وظیفه را بعهده گرفته اید و یا در آینده نزدیک بعهده خواهید گرفت . شما باید هر یک جداگانه خود را لایق آن وظیفه و سزاوار شرف و سعادت کشورتان ثابت کنید .

«انجام»